

باز هم نظام سرمایه‌داری ضربه‌ای بر پیکر ما وارد آورد تا دوست گرانقدری را در نیمه راه زندگی به خاک بنشانند

از طریق رضا میرزاخانی باخبر شدم که امین باقری همکار سابق، دوست دوران انقلاب و یکی از فعالین سندیکای صنعت چاپ درگذشت.

گرچه من هیچ‌گاه با امین باقری رابطه‌ی سیاسی متشکل و نزدیک نداشتم؛ اما همیشه با این دوست گرانقدر احساس عاطفی نزدیک، محترمانه و خوبی داشتم. از این‌رو، درگذشت او داغ مرگ برادر جوانتری را به دل‌ام نشانده و مرا در اندوهی سنگین و جانکاه فروبرده است.

تا آنجاکه من اطلاع دارم امین دوستی خوب، همسری مهربان و پدری شایسته بود. بنابراین، درگذشت او (علاوه بر داغ‌دیدی و تنهایی همسر، فرزندان و خانواده‌اش) اندوهی به‌وسعت دوستی‌ها را نیز برجای گذاشته که تنها با ادامه‌ی آرمان‌ها و آرزوهایش به‌نیرو و مایه ادامه‌ی زندگی تبدیل می‌شود. پس، به پاس بزرگداشت امین (این انسان پرتلاش و شوریده حال)، آرمان‌هایش را پاس بداریم.

امین از آزادی طبقه‌کارگر، آزادی کار و آزادی نوع انسان سخن می‌گفت و دیگران را از دامچاله‌های رنگارنگ نظام سرمایه‌داری و انواع خرده‌کاری‌هایی که نهایتاً در چارچوب همین نظام گرفتار می‌مانند، برحذر می‌داشت. بنابراین، دست‌هایمان را با هم گره کنیم، به‌امین بیندیشیم و با خود پیمان ببندیم که کوشای عملی سخنان و آرمان‌های این دوست پرتلاش باشیم تا زندگی برای همگان گسترده‌تر شود و امین همانند قطرات باران در جاوانگی بارش زندگی جاودانه باشد.

امین عزیز و از دست رفته! به شرافت همه‌ی انسان‌های شریف سوگند یاد می‌کنیم که همیشه به‌یادت باشیم و سخنان زیبایت را آویزه‌ی گوش خود سازیم تا در جهت روابط و مناسباتی حرکت کنیم که هرکس هنگام وداع خویش را خود انتخاب کند و هراندازه‌ای از طول عمر گامی در جاودانگی هستی و سلطه‌ی خرد انسانی بر این هستی بی‌کرانه باشد.

امین عزیز! در اندوه از دست دادنت هم می‌گیریم و هم امید زندگی می‌یابیم. می‌گیریم، چراکه دیگر نمی‌توانیم با تو دیدار داشته باشیم. امیدوارم، چراکه تو در راهی سهمیم بودی که شایسته‌ی هر انسان فرزانه‌ای است: آرزوی آرزوی همه‌ی انسان‌ها.

برقرار باد پرچم زیبای آزادی‌کار در پهنه‌ی گیتی
عباس فرد - هلند - 28 نوامبر 2006